

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

موضوع: حضرت زهرا (سلام الله علیها) بهترین الگوی زندگی ۰۲

(سخنرانی در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها))

فهرست موضوعات این سخنرانی:

۲..... اقدام عملی علمای بزرگ شیعه در شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

۳..... آیا طرح شهادت حضرت زهرا با وحدت شیعه و سنی منافات دارد؟

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می گوئیم. و خدا را شاکریم که در ایام فاطمیه ما را زنده نگهداشت و این ایام را با اظهار ارادتمان به پیشگاه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در حرم مطهر بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) درک کردیم.

من در جلسه شب گذشته وعده دادم امشب پیرامون برخی از شبهاتی که در محور فاطمیه و شهادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) مطرح است، چه در رسانه‌ها و فضای مجازی وهابیت یا برخی اهل سنت تندرو و افراطی یا برخی از شیعیان و بالاخص علمایی که قدری کاسه داغ‌تر از آش شدند مطالبی را خدمت شما بیان کنم.

### اقدام عملی علمای بزرگ شیعه در شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

قبل از ورود به اصل شبهه، ناگزیرم نکته‌ای را خدمت عزیزان تقدیم کنم که برخی افراد تصور می‌کنند قضیه شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با تقریب و وحدت میان شیعه و سنی منافات دارد.

البته این قضیه سابقه بسیار دوری ندارد. در زمان حیات حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و چندین سال قبل از رحلت ایشان، عده‌ای بحثی را تحت عنوان "افسانه شهادت" مطرح کردند.

بزرگوارانی همانند مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، مرحوم آیت الله العظمی تبریزی، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی و آیت الله العظمی وحید خراسانی در این زمینه اقدام عملی کردند.

آنها که روز شهادت حضرت، با پای برهنه از منزلشان به حرم حضرت معصومه آمدند، می‌خواستند اثبات کنند که شهادت حضرت فاطمه زهرا افسانه نیست، بلکه حقیقت است.

بعضی از دوستان شیعه ما مخصوصاً در کشور ترکیه، ادعاهایی در این زمینه مطرح کردند. دیشب هم عرض کردم که این عزیزان برای من محترم هستند و من شخصاً به ایشان ارادت قلبی دارم.

این افراد تصور می‌کنند قضیه شهادت و آتش گرفتن خانه حضرت فاطمه زهرا، شکسته شدن پهلوی حضرت صدیقه طاهره و شهادت حضرت محسن، باعث رنجش اهل سنت می‌شود و با وحدت همخوانی ندارد!

این افراد ظاهراً قدری از حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری جلوتر رفتند. این افراد هر قدر دلسوز جامعه اسلامی و دلسوز تقریب میان شیعه و سنی باشند، گمان نمی‌کنم به گرد غبار نعلین امام خمینی و مقام معظم رهبری رسیده باشند.

با تأکیدی که این دو بزرگوار و دیگر مراجع ما داشتند، هم امام خمینی در زمان حیاتشان و هم مقام معظم رهبری از اول سال رسیدن به ولایت فقیه، شهادت حضرت فاطمه زهرا را گرامی داشتند و روز شهادت حضرت زهرا، از اول تا آخر جلسه عزاداری حضرت زهرا در جلسه حضور داشتند.

یکی از عزیزان بیت مقام معظم رهبری به خود من می‌گفت: خدمت ایشان عرض کردیم: شما در ایام شهادت حضرت سیدالشهدا و دیگر مراسمات، نیم ساعت آخر در جلسه حضور پیدا می‌کنید، اما در روز شهادت حضرت فاطمه زهرا از اول جلسه حضور دارید. این اقدام با صحت جسمی و درد پا و کمر شما سازگاری ندارد. شما روز شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هم، آخر جلسه حضور داشته باشید کفایت می‌کند.

مقام معظم رهبری فرمودند: "من روزی سالیانه خود را در روز شهادت حضرت فاطمه زهرا از بی بی دو عالم می‌گیرم. مقید هستم از اول تا آخر جلسه روضه حضرت فاطمه زهرا، در روز شهادت حضور داشته باشم."

### آیا طرح شهادت حضرت زهرا با وحدت شیعه و سنی منافات دارد؟

این قضیه که بعضی افراد تصور می‌کنند بحث شهادت با وحدت منافات دارد، حقیقت ندارد. «علامه شهید مطهری» در کتاب «امامت و رهبری» تعبیری دارد که از صفحه ۱۷ شروع می‌شود و تا صفحه ۲۵ ادامه دارد.

ایشان می‌نویسد: "مراد از وحدت میان شیعه و سنی این نیست که ما به خاطر وحدت از اصول خود دست برداریم و یا اهل سنت از اصولشان دست بردارند"

ایشان در ادامه جمله ظریف و زیبایی مطرح می‌کند و می‌نویسد: "ما شیعه هستیم و افتخار پیروی اهلبیت را داریم و حاضر نیستیم برای وحدت، از یک مستحب کوچک یا مکروه کوچکمان دست برداریم و چنین توقعی هم از دیگران نداریم."

مراد از وحدت این نیست که ما از اصولمان دست برداریم یا اهل سنت از اصولشان دست بردارند، بلکه مراد این است که علمای اهل سنت و علمای شیعه نسبت به مقدسات یکدیگر اهانت نکنند و مطالبی نگویند که احساسات طرف مقابل را جریحه دار کنند.

مباحث علمی با عقل و منطق و خرد سروکار دارد. اگر ملاک وحدت و تقریب این است، ما باید تمام حقایق را که در کتب شیعه یا اهل سنت آمده است بیان کنیم.

بسیاری از مسائل در کتاب‌های عزیزان اهل سنت وجود دارد که علمای اهل سنت صلاح نمی‌دانند آنها را برای جوانان مطرح کنند.

من خدمت آیت الله العظمی جوادی آملی بودم. ایشان به بنده گفتند: "شما موظف هستید و تکلیف دارید حقایقی که در رابطه با حقانیت اهلبیت یا نسبت به عدم صلاحیت غیر از اهلبیت است را برای مردم بگویید. جوانان اهل سنت هم حق دارند این مطالب را بشنوند. فردای قیامت جوانان اهل سنت جلوی شما را می‌گیرند و در قیامت از شما شکایت می‌کنند."

بنابراین بحث‌های علمی و نقل مطالب و بالا بردن سطح معلومات مردم، امری بسیار ضروری است. خداوند عالم این افتخار را نصیب من کرده است و از باب:

## «يا مُبْتَدِئاً بِالنُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا»

التوحيد (للسدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: ۳۸۱ ق؛ محقق / مصحح:

حسینی، هاشم؛ ناشر: جامعه مدرسین، ایران؛ قم، سال چاپ: ۱۳۹۸ ق؛ باب ۲۹، ص ۲۲۲، ح ۱۴

توفیق داشتم بیش از دویست جلسه بحث و مناظره با دانشجویان و اساتید و مفتیان اعظم عربستان سعودی داشتم.

یک شب که شب چهاردهم رجب و شام ولادت حضرت امیرالمؤمنین بود، ما با حدود پانزده نفر از دانشجویان دانشگاه أم القرى که مسئول هیئت امر به معروف و نهی از منکر هم هستند، جلسه‌ای داشتیم که تا ساعت ۳ و نیم بعد از نیمه شب ادامه داشت.

دانشجویان شروع به گفتن این مطالب کردند که شما که می‌گویید حضرت امیرالمؤمنین در کعبه متولد شده است، از خرافات شیعه است.

من گفتم: آیا خرافات است؟ آن‌ها گفتند: بله. من گفتم: «حاکم نیشابوری» را می‌شناسید؟ آن‌ها گفتند: بله، او یکی از بزرگان اهل سنت است. من گفتم: ایشان در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» جلد ۳ صفحه ۵۵۰ می‌گوید:

«فَقَدْ تَوَاتَرَتْ الْأَخْبَارُ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَسَدٍ وَلَدَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ فِي جَوْفِ

الكَعْبَةِ»

المستدرک علی الصحیحین، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: ۴۰۵ هـ)، تحقيق: مصطفى عبد القادر

عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۵۵۰، ح ۶۰۴۴

من گفتم: نه تنها این قضیه در کتب شما آمده است، بلکه ادعای تواتر می‌کند. امام و رهبر شما «ابن تیمیه» معتقد است که حدیث متواتر به منزله آیه قرآن است.

« وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ مَا ثَبَتَ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ »

کسی که حدیث متواتر را انکار کند کافر است.

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه ، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي؛ ج ۱، ص ۱۰۹

جلسه ما تمام شد و آنها فرداشب برای طواف آمدند. یکی از آن دانشجویان مرا پیدا کرد و گفت: بنده امروز سه ساعت در کتابخانه گشتم و عبارتی که گفتید را پیدا نکردم. اگر امکان دارد با هم به محل اسکان شما برویم و آن را از کامپیوترتان به من نشان دهید!

ما با هم ساعت یک و نیم نیمه شب به هتل برگشتیم و من کامپیوتر را در لابی هتل الرواسی آوردم که در آن زمان هنوز خراب نشده بود و نزدیکترین هتل به حرم بود.

من کتاب را باز کردم و ایشان روایت را مشاهده کرد و اشکش جاری شد. او می‌گفت: من تأسف می‌خورم از اینکه این همه تراث گرانمایه در کتب ما هست، اما ما از آنها بی‌خبر هستیم و اساتید و علمای ما این مطالب را به ما نمی‌گویند.

این قضیه، قضیه‌ای است که باید در این زمینه قدری بیشتر کار کنیم. بنده مخصوصاً از اساتید و فضلالی بزرگوار حوزه‌های علمیه تقاضا می‌کنم، هم منابع شیعه را ببینند و هم منابع اهل سنت را ببینند.

این قضیه، قضیه‌ای نیست که ما بخواهیم از کنار آن به سادگی عبور کنیم. ما در کتب متعدد اهل سنت و شیعه روایاتی داریم که مسئله شهادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و شکسته شدن پهلوی مبارکشان و آتش گرفتن خانه آن حضرت آمده است.

این مسائل در تمام کتاب‌های شیعه و سنی آمده است. یکی از توفیقاتی که خداوند متعال به بنده عنایت کرد، این است که حدود چهارده سال قبل در «شبکه المستقله» که متعلق به عربستان سعودی است و از لندن پخش می‌شود مناظره‌ای داشتم.

آیت الله العظمی سبحانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی شخصاً به بنده زنگ زدند و گفتند: بر شما تکلیف است که در این مناظره که در این شبکه در رابطه با شهادت حضرت فاطمه زهرا پخش می‌شود حضور پیدا کنید.

ما قبول کردیم و به «دکتر هاشمی» رئیس شبکه زنگ زدیم و سه شب به صورت تلفنی مناظره داشتیم. مناظره طوری بود که تصویر ما را در یک طرف می‌گذاشتند و سه تن از وهابی‌ها در طرف دیگر حضور داشتند. ما سه شب در رابطه با شهادت حضرت فاطمه زهرا بحث کردیم.

تعبیری که آیت الله العظمی مکارم شیرازی به بنده فرمودند، این بود که گفتند: قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا یک سکه دو لبه است. در یک طرف سکه، شهادت حضرت فاطمه زهراست که ما باید بی پرده آن را بگوییم و تمام مصادر شیعه و سنی را در این زمینه بیان کنیم.

در طرف دیگر سکه، عاملان شهادت حضرت است، مبنی بر اینکه چه کسانی حضرت فاطمه زهرا را به شهادت رساند. که صلاح نیست ما عاملان شهادت حضرت فاطمه زهرا را بیان کنیم. شما اصل قضیه را بگویید و مصادر را بیان کنید و بگذارید خود آقایان بگردند.

مجموعه این مناظره تحت عنوان «شبهات و ردود» به چاپ رسید. اگر حضرت فاطمه زهرا یک ثانیه این مناظره را قبول کنند، دنیا و آخرت ما آباد است. صلواتی ختم بفرمایید.

کتاب «فرائد السمطين» اثر آقای «جوینی ابو المعالی» استاد «ذهبی» است. «ذهبی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است، می‌گوید: "استاد ما آقای «جوینی ابو المعالی» یکی از شخصیت‌های برجسته ما و یکی از کسانی است که جزو بی نظیرترین افراد است."

او که «ذهبی» افتخار شاگردی او را دارد، در همین کتاب جلد ۲ صفحه ۳۴ روایتی را که «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «أمالی» و «اختصاص» دارد عیناً نقل می‌کند که وقتی رسول گرامی اسلام چشمشان به حضرت فاطمه زهرا افتاد، اشکشان جاری شد.

اشک از چشمان رسول مکرم اسلام جاری شد و فرمود: زهراجان! می‌بینم که بعد از من به خانه‌ات حمله می‌کنند، حرمت تو را می‌شکنند، پهلوی تو را می‌شکنند و محسن تو را سقط می‌کنند.

### «فتقدم علي محزونة مكروبة مغمومة مغصوبة مقتولة»

فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام؛ حموي جويني،

ابراهيم بن سعد الدين (م ۷۳۰)، مؤسسة المحمود، بيروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ هـ. ق. ج ۲، ص ۳۴

پیغمبر اکرم به حضرت فاطمه زهرا می‌فرمایند در حالی که تو را به شهادت رساندند، با من دیدار خواهی کرد!

این قضیه، قضیه‌ای نیست که تنها در کتب شیعه آمده است. در کتب اهل سنت آمده است، اما بنده تنها به عنوان نمونه مواردی را عرض کردم.



«ابن قتیبہ دینوری» در کتاب «الإمامة و السياسة» مطالبی را به صورت مفصل مطرح می‌کند. آقای «شهرستانی» در کتاب «الملل و النحل» ج ۲، ص ۶۴ مطالبی به صورت مفصل در این زمینه نقل می‌کند. «ذهبی» در کتاب «لسان المیزان» مطالبی نقل می‌کند.

این مباحثی نیست که ما بخواهیم از کنار آن به سادگی عبور کنیم. وقتی که آقایان این مطلب را مطرح می‌کنم، به آنها می‌گویم: آیا شما حاضرید از کفر «ابوطالب» دست بردارید؟

شیعه معتقد است خدمتی که «ابوطالب» به رسول گرامی اسلام انجام داد، غیر از فرزند گرامی‌اش امیرالمؤمنین، احدی از صحابه چنین خدمتی را انجام نداد. ایمان «ابوطالب» یکی از ضروریات مذهب شیعه است.

از امیرالمؤمنین سؤال می‌کنند: یا علی! بعضی افراد ادعا می‌کنند که پدر تو در آتش است. حضرت فرمود: دهانتان بشکند. پدر من در آتش است، اما پسرش «قسیم الجنة و النار» است؟!

در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» چندین روایت نقل شده است که «ابوطالب» در آتش است. آیا اهل سنت حاضرند به خاطر وحدت از این قضیه دست بردارند؟! خیر.

ما توقعی نداریم؛ ما ادله خودمان را می‌گوییم و آنها هم ادله خودشان را می‌گویند. قرآن کریم می‌فرماید:

**(فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ)**

بنا بر این بندگان مرا بشارت ده، کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند.

سوره زمر (۳۹): آیات ۱۷ و ۱۸

مردم باید قضاوت کنند. ما الزامی نداریم که طرف مقابل حرف ما را بپذیرد یا نپذیرد. مشاهده کنید «مرحوم ابن قولویه» یکی از بزرگان شیعه است و تمام روایات کتاب «کامل الزیارات» بنا به رأی آیت الله العظمی خوئی بلا استثناء ثقة هستند.

روایات کتاب «کامل الزیارات» روایاتی صحیح است. ایشان در صفحه ۵۴۷ و جاهای دیگر قضیه معراج را می‌آورد که امام صادق از قول نبی گرامی اسلام نقل می‌کند. حضرت می‌فرماید:

خداوند عالم در معراج به من وحی کرد که ای محمد! ما برای تو سه چیز به عنوان امتحان انتخاب کرده‌ایم؛

«وَأَمَّا ابْنُكَ فَتُظْلَمُ وَ تُحْرَمُ وَ يُؤْخَذُ حَقُّهَا غَضَباً الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا وَ تُضْرَبُ وَ هِيَ حَامِلٌ»

اما به دخترت در حالی ظلم می‌کنند و وارد حریم او می‌شوند و حق او را غصب می‌کنند که حامله است.

کامل الزیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص ۳۳۲، ح

۱۱

«مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «أمالی» صفحه ۱۳۴ روایت مفصلی نقل می‌کند که نبی گرامی اسلام در آخرین لحظات عمرش اشک از چشمان مبارکش جاری شد. حضرت صدیقه طاهره عرضه داشت: یا ابتاه! چرا گریه می‌کنید؟ حضرت فرمود:

«أَبْكِي مِنْ ضَرْبَتِكَ عَلَى الْقُرْنِ وَ لَطْمِ فَاطِمَةَ حَدَّهَا وَ طَعْنَةِ الْحَسَنِ فِي الْفَخْذِ وَ السَّمِّ الَّذِي يَسْقَى وَ قَتْلِ

الْحُسَيْنِ»

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۱۳۴، ح ۲

رسول گرامی اسلام فرمودند: من بر ظلم‌هایی که بعد از من علی بن ابی طالب و امام حسن و امام حسین تحمل می‌کنند و سیلی که بعد از من بر صورت دخترم می‌زنند، گریه می‌کنم و این باعث گریه من شده است.

«مرحوم شیخ صدوق» (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «امالی» صفحه ۱۷۴ و آقای «طبری شیعی» در کتاب «بشارة المصطفی» صفحه ۳۰۶ نقل می‌کند که رسول اکرم به امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین و حضرت صدیقه طاهره نگاه می‌کنند. وقتی چشم رسول گرامی اسلام به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌افتد، می‌فرمایند:

«لَمَّا رَأَيْتَهَا ذَكَرْتُ مَا يُضْنَعُ بِهَا بَعْدِي كَأَنِّي بِهَا وَ قَدْ دَخَلَ الدُّلُّ بَيْتَهَا وَ انْتَهَكَتْ حَرَمَتَهَا وَ عُصِبَتْ حَقُّهَا وَ مُبِعَتْ  
إِزْتَهَا وَ كَسِرَ جَنْبُهَا [وَ كَسِرَتْ جَنْبُهَا] وَ أَسْقَطَتْ جَنِينَهَا»

می‌بینم که بعد از من حرمت فاطمه را می‌شکنند، حق مسلم او را غصب می‌کنند، پهلو او را می‌شکنند و جنین او را سقط می‌کنند.

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران؛ ص ۱۱۳، ح ۲

این‌ها مطالبی نیست که متعلق به امروز و دیروز باشد. «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ هجری است. حال این شخص ادعا می‌کند که ما نمی‌توانیم به خاطر گفتار علمایمان در هزار سال قبل، به حرفهای آنها ملتزم باشیم.

عجب! تنها در رابطه با شکستن پهلو حضرت فاطمه زهرا و آتش گرفتن خانه حضرت نمی‌توانید ملتزم باشید؟

من دیشب هم عرض کردم که اگر قرار باشد ما «شیخ صدوق» و «شیخ طوسی» و «کلینی» را کنار بگذاریم، علما و مراجع عظام تقلید ما نمی‌توانند احکام دو رکعت نماز صبح را اثبات کنند. چون قرآن کریم در هیچ سوره نفرموده است که نماز صبح چند رکعت است، نماز ظهر چند رکعت است، رکوع یا سجده نماز چطور است.

ما تمامی سنت را به نقل از «شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه»، «شیخ طوسی» در «تهذیب الأحکام» و «کلینی» در کتاب «کافی» استنباط می‌کنیم. ما نباید مصداق بارز:

(يُخْرِئُونَ يُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ)

به گونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند.

سوره حشر (۵۹): آیه ۲

باشیم. وقتی که ما با قضیه‌ای خانه را ویران کردیم، همانند کسی است که در شاخه درختی نشسته و بن شاخه را می‌برد. در این صورت اولین کسی که می‌افتد، خود اوست.

بازهم در کتاب مرحوم «سلیم بن قیس» وارد شده است که پیغمبر اکرم به حضرت زهرا فرمود:

« إِنَّكَ أَوْلُ مَنْ يُلْحِقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ سَتْرَيْنِ بَعْدِي ظُلْمًا وَ غَيْظًا حَتَّى تُضْرَبِي وَ يَكْسَرَ ضِلْعٌ مِنْ أَضْلَاعِكَ»

می‌بینم که بعد از من ظلم‌ها در حق تو می‌شود، به طوری که تو را سیلی می‌زنند و یکی از پهلوهای تو را بین در و دیوار می‌شکنند.

کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، نویسنده: همدانی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی،

محمد، ج ۲، ص ۹۰۷، باب الحدیث الحادی و الستون

بزرگان ما همانند «مرحوم نعمانی» در قرن سوم و چهارم می‌نویسند: کتاب «سلیم بن قیس» یکی از معتبرترین کتب شیعه است. بزرگان و علمای ما همانند «علامه مجلسی اول»، «مجلسی دوم» و آیت الله العظمی خوئی در کتاب «معجم رجال الحدیث» بر صحت کتاب ایشان صراحت دارند.

شاید بیست نفر از مراجع و بزرگان همانند «صاحب جواهر الکلام» و «علامه حلی» همگی تصریح دارند که کتاب «سلیم بن قیس» یکی از کتب معتبر و معتمد شیعه است و شیعه در طول تاریخ به آنها استناد می‌کرده است.

آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) در شرح حال «سلیم»، شبهات و اشکالاتی که نسبت به کتاب «سلیم» مطرح شده است را آورده و قهرمانانه به تک تک آنها جواب داده است، اما الآن فرصت نیست که بنده این موارد را مطرح کنم.

همچنین در کتاب «بحار الانوار» اثر «مرحوم مجلسی» جلد ۹۸ صفحه ۴۴ وارد شده است که رسول گرامی اسلام می‌فرماید: من بعد از خودم به فکر فرزندانم بودم که جبرئیل نازل شد و گفت:

«أُمَّا ابْنُكَ فَهِيَ أَوْلُ أَهْلِكَ لِحَاقًا بِكَ بَعْدَ أَنْ تُظْلَمَ وَ يُؤْخَذَ حَقُّهَا وَ تُمْنَعِ إِزْنَتَهَا وَ يَظْلَمَ بَعْلُهَا وَ يَكْسِرَ ضَلْعُهَا»

اما دخترت اولین نفر از اهل بیت توست که به تو ملحق می‌شود، در حالی که در حقش ظلم می‌کنند و حقش را می‌گیرند و او را از ارث محروم می‌کنند و پهلویش را می‌شکنند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۸، ص

در کتاب «أمالی» اثر «شیخ صدوق» صفحه ۱۱۳ وارد شده است:

«وَأَنْتَ لَمَّا رَأَيْتَهَا ذَكَرْتَ مَا يَضَعُ بِهَا بَعْدِي كَأَنْتَ بِهَا وَقَدْ دَخَلَ الدُّلُّ بَيْتَهَا وَانْتَهَكَتْ حَرَمَتَهَا وَغُصِبَتْ حَقُّهَا وَ  
مُنِعَتْ إِزَّتُهَا وَكَسِرَتْ جَنْبُهَا [وَوَكَسِرَتْ جَنْبُهَا] وَ أَسْقَطَتْ جَنِينَهَا وَ هِيَ تُنَادِي يَا مُحَمَّدَاهُ»

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران، ص ۱۱۳، ح ۲

رسول گرامی اسلام می‌فرماید: زهراجان! می‌بینم بعد از من چه مصیبت‌ها تحمل خواهی کرد. پهلوی تو را می‌شکنند و محسن تو را شهید می‌کنند.

امام حسن مجتبی با «مغیره بن شعبه» مناظره‌ای دارد که بسیار مفصل است. حضرت خطاب به «مغیره» خطاب می‌کند:

«وَأَنْتَ الَّذِي صَرَبْتَ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى أَدْمَيْتَهَا وَأَلْقَيْتَ مَا فِي بَطْنِهَا اسْتِذْلاًلًا مِنْكَ لِرَسُولِ اللَّهِ»

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۲۷۸، باب احتجاج الحسن بن علی بن أبی طالب ع علی جماعة من المنکرین لفضله و فضل أبیه من قبل بحضرة معاویة

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: تو همان کسی بودی که مادرم فاطمه زهرا را کتک زدی، به طوری که خون از سینه‌اش جاری شد. این موارد یک مورد یا دو مورد نیست. بنده تنها به عنوان نمونه این موارد را عرض کردم.

از آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی سؤال کردند:

«هل الروایات آتی یذکرها خطباء المنبر، وبعض الكتاب عن كسر ((عمر)) لضع السيدة فاطمة (عليها السلام) صحیحة برأیکم؟»

روایاتی که در کتب شیعه مبنی بر شکسته شدن پهلوی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است، صحیح است یا خیر؟

آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی دو فقیه از فقهای بنام عصر ما هستند. این دیگر «شیخ صدوق» و «شیخ طوسی» نیست که بگوئیم متعلق به هزار و چهارصد سال قبل است. ایشان می فرماید:

«ذلک مشهور معروف، والله العالم»

این قضیه نه تنها صحیح است، بلکه شهرت دارد و میان شیعه معروف است.

صراط النجاة في أجوبة الاستفتاءات؛ لسماحة آية العظمى أستاذ الفقهاء والمجتهدين السيد أبو القاسم الخوئي (قدس سره)؛ مع تعليقات وملحق لسماحة آية الله العظمى الميرزا الشيخ جواد التبريزي (دام ظله الوارف)، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۷ م؛ الطبعة الأولى؛ ج ۳، ص ۳۱۴، سؤال ۹۸۰

اما در رابطه با آتش گرفتن خانه حضرت صديقه طاهره (سلام الله علیها) که نقل مجلس آقاها است، در کتاب «سليم بن قيس» جلد ۲ صفحه ۸۶۲ تا ۸۶۶ مطالبی در این خصوص نقل شده است.

بنده به علی نام بعضی از افرادی که در این روایت آمده است را نمی برم و به جای آن کلمه «فلان» می گذارم:

«دَعَا عُمَرُ بِالنَّارِ فَأَضْرَمَهَا فِي الْبَابِ فَأَخْرَقَ الْبَابَ»

عمر بن خطاب آتش آورد، در خانه را آتش زد و شعله های آتش برخاست.

«تُمْ دَفَعَهُ عُمَرُ فَأَسْتَقْبَلَتْهُ فَاطِمَةُ ع وَ صَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ»

سپس می نویسد:

«فَرَفَعَ الشَّيْفَ وَ هُوَ فِي غَمْدِهِ فَوَجَّأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَخَتْ»

با غلاف شمشیر بر بازوی حضرت صدیقه طاهره زد، بازوی حضرت ورم کرد. گویا یک دستبند سیاه متورم در بازوی حضرت است.

کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، ج ۲، ص ۸۶۴، باب الحدیث الثامن و الأربعون

امیرالمؤمنین که همانند دیشبی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را غسل می داد، دستش به بازوی ورم شده زهرا افتاد، نشست و شروع به گریه کرد.

«اسماء بنت عمیس» می گوید: یا امیرالمؤمنین! تو به ما سفارش می کنی که آهسته گریه کنیم تا کسی صدای گریه ما را نشنود، اما خود بلند بلند گریه می کنی.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمود: اسماء به غربت فاطمه زهرا گریه می کنم. او بازوی ورم شده خود را به من هم نشان نداده بود.

«مرحوم خوئی» در کتاب «منهاج البرائة» جلد ۱۳ صفحه ۱۸ همین تعبیر را دارد. «علامه مجلسی» در کتاب «بحار الانوار» جلد ۱۸ صفحه ۲۹۷ همین تعبیر را دارد.



این روایات موارد متعددی است که بزرگان ما آوردند. عبارتی را از امام صادق (علیه السلام) آوردند که نمی‌دانم در محضر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) این عبارت را بازگو کنم یا خیر!

«مرحوم خصیبی» در کتاب «الهدایة الکبری» صفحه ۴۱۷ جمله‌ای نقل می‌کند که اگر ما این جمله را خوب تحویل بگیریم، حتی زمانی که در رختخواب هم هستیم گریه ما را امان نمی‌دهد. ایشان می‌نویسد:

«وَلَا كِيَوْمَ مِخْتِنَا بِكَرْبَلَا وَ إِنْ كَانَ كِيَوْمِ السَّقِيْفَةِ وَ إِحْرَاقِ الْبَابِ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ زَيْنَبَ وَ أُمَّ كَلْثُومٍ وَ فِضَّةَ وَ قَتْلِ مُحَسِّنٍ بِالرَّفْسَةِ لِأَعْظَمُ وَ أَمْرًا لِأَنَّهُ أَضْلُ يَوْمِ الْفِرَاشِ»

گرچه کربلا برای ما خیلی دردآور است، اما روز سقیفه که به خانه مادرم حمله کردند و در خانه امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و زینب و أم کلثوم و فضه را آتش زدند و حضرت محسن را شهید کردند برای ما دردناک‌تر از روز عاشورا بود.

الهدایة الکبری، نویسنده: خصیبی، حسین بن حمدان، ناشر: البلاغ، بیروت؛ ص ۴۱۷، الباب الرابع عشر باب الإمام المهدي المنتظر (علیه السلام)

این مطالب نکاتی است که بزرگان ما نقل کردند. مرحوم «خصیبی» معاصر «شیخ صدوق» و «کلینی» بوده است و متعلق به امروز و دیروز نیست. «مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد ۵۳ صفحه ۱۸ تعبیری دارد که می‌نویسد:

«وَأَضْرَامِهِمُ النَّارَ عَلَيَّ الْبَابِ»

خانه حضرت فاطمه زهرا را آتش زدند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۳، ص

۱۸، باب ۲۸ ما یكون عند ظهوره ع بروایة المفضل بن عمر

در روایت دیگر وارد شده است که عده‌ای پرسیدند شنیدیم علی بن ابی طالب با اصحاب سقیفه بیعت کرده است. ایشان در جواب گفت: وقتی که امیرالمؤمنین دید دود از خانه‌اش بلند شد، مجبور به بیعت شد. تا زمانی که دود از خانه علی برنخاسته بود، حضرت مقاومت کرد.

«مرحوم مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد ۵۳ صفحه ۱۹ می‌نویسد:

«وَأَخَذَتِ النَّارُ فِي خَشْبِ الْبَابِ»

در و چوب‌ها و تخته‌های آن آتش گرفت و شعله از آن بلند شد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۳، ص

۱۹، باب ۲۸ ما یكون عند ظهوره ع بروایة المفضل بن عمر

«مرحوم سید مرتضی» (رضوان الله تعالی علیه) متوفای ۴۳۶ به صراحت می‌نویسد:

«فقد بینا أن خبر الاحراق قد رواه غیر الشیعة»

قضیه آتش گرفتن خانه حضرت فاطمه زهرا را تنها علمای شیعه نیاوردند.

«ممن لا یتهم علی القوم»

بلکه غیر شیعه هم قضیه آتش گرفتن خانه حضرت را بیان کردند.

الشافى فى الإمامة، نویسنده: الشریف المرتضى، ج ٤، ص ١١٩، فصل فى تتبع كلامه على الطاعن على أبى

بكر وما أجاب به عن مطاعنهم

این روایت نیست که ما دائماً نقطه چنین کنیم که آیا صحیح است یا صحیح نیست. «سید مرتضى» به عنوان یک شخصیت فقیه و متکلم و اصولی است و شیعه و سنی همگان او را قبول دارند.

ایشان از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که سؤال کردند: یا بن رسول الله! شنیدیم جدتان رفت بیعت کرد. حضرت فرمودند:

«والله ما بايع علي عليه السلام حتى رأى الدخان قد دخل عليه بيته»

به خدا سوگند جدم علی برای بیعت نرفت، تا روزی که دود از خانه‌اش برخاست.

الشافى فى الإمامة؛ للشريف المرتضى علي بن الحسين الموسوي قدس سره، المتوفى ٤٣٦ هـ؛ حقه وعلق عليه السيد عبد الزهراء الحسيني الخطيب؛ راجعه السيد فاضل الميلاني؛ مؤسسة الصادق للطباعة والنشر،

طهران - ایران، ج ٣، ص ٢٤١

این روایت همچنین در کتاب «الأربعين» اثر «مرحوم قمی» صفحه ١٦١ و کتاب «الشافى فى الإمامة» جلد ٣ صفحه ٢٤١ و کتاب «منهاج البرائة» جلد ٣ صفحه ٣٧٣ و کتاب «الكنى و الألقاب» اثر «محدث قمی» جلد ١ صفحه ٣٨٠ نقل شده است.

«شیخ مفید» استاد «سید مرتضى» و کسی است که ارتباط تنگاتنگ با حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) دارد، ایشان در کتاب «أمالی» صفحه ٤٩ نقل می‌کند که اصحاب سقیفه دستور دادند که خانه حضرت فاطمه زهرا را به

آتش کشیدند. «سید بن طاووس» در کتاب « طُرْفُ مِنَ الْأَنْبَاءِ وَ الْمَنَاقِبِ » جلد ۱ صفحه ۳۹۱ این قضیه را مطرح می‌کند.

این مسائل به قدری زیاد است که اگر ما تنها بخوایم آدرس‌های کتاب‌هایی که از کتب شیعه و سنی، قضیه آتش گرفتن خانه حضرت فاطمه زهرا را نقل کرده است مطرح کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود!

«مرحوم شهید صدر» که یکی از منادیان وحدت در عصر حاضر است، کتابی به نام «فدک فی التاریخ» دارد. ایشان در صفحه ۲۸ می‌نویسد:

« قد هجم علی آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم فی دارهم وأشعل النار فیها »

به خانه حضرت فاطمه زهرا هجوم بردند و شعله‌های آتش از خانه حضرت به آسمان برخاست.

فدک فی التاریخ؛ الامام الشهید السید محمد باقر الصدر قدس سره؛ تحقیق الدكتور عبد الجبار شرارة مرکز

الغدیر للدراسات الاسلامیة؛ ص ۲۸

ما روایات بزرگانمان در گذشته و همچنین روایات بزرگان در عصر حاضر را آوردیم. در رابطه با شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هم، تنها روایتی را که «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۴۵۸ آورده است نقل می‌کنم.

این روایت که صددرصد صحیح است و از امام کاظم (علیه السلام) نقل شده است، می‌فرماید:

«إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ»

مادر ما فاطمه صدیقه شهیده است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۴۵۸، ج ۲

بازهم در کتاب «سلیم بن قیس» صفحه ۵۸۸ وارد شده است:

«مَاتَتْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً»

کتاب سلیم بن قیس الهلالی، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی،

محمد، ج ۲، ص ۵۸۸، باب الحدیث الرابع

در کتاب «کامل الزیارات» صفحه ۵۴۱ قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا نقل شده است. در کتاب «دلائل الإمامة» اثر «طبری» صفحه ۱۳۴ قضیه شهادت حضرت را آورده است. ما شاید بیش از سی سند از شیعه و سنی داریم که قضیه شهادت حضرت را مطرح کرده است.

بنده امشب می‌خواهم روضه حضرت فاطمه زهرا را بخوانم، اما نه از کتب شیعه از جمله «مناقب» اثر «ابن شهر آشوب» یا کتاب «سلیم بن قیس» یا کتاب «بحار الانوار» اثر «علامه مجلسی».

دوستان برای یک مرتبه هم شده خود را آماده کنید، به کتاب‌های اهل سنت بروید و از علمای اهل سنت روضه حضرت فاطمه زهرا را بشنوید. بعضی از علمای منصفین اهل سنت خیلی خوب کار کردند.

بنده یقین دارم حضرت زهرای مرضیه فردای قیامت این علما را رها نخواهد کرد. من یقین دارم امیرالمؤمنین به خاطر انصافی که این افراد داشتند و این تراث را باقی گذاشتند، قطعاً آنها را مورد تفقد قرار خواهند داد.

«خوارزمی» متوفای ۵۶۸ هجری است. او نه تنها از امامان اهل سنت است، بلکه «ذهبی» و دیگران به عنوان «صدر الائمة» از او یاد می‌کنند. «خیرالدین زرکلی» وهابی از «خوارزمی» به عنوان یک عالم برجسته اهل سنت از او تجلیل کرده است.

«خوارزمی» کتابی به نام «مقتل الحسین» دارد. او در صفحه ۸۵ قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را نقل می‌کند که من بخشی از آن را برای شما عرض می‌کنم.

او می‌نویسد: وقتی حضرت صدیقه طاهره احساس کرد دیگر رفتنی است و باید از علی بن ابی طالب و فرزندانش و مسجد النبی خداحافظی کند، دست حسن و حسین را گرفت و به مسجد النبی آمد.

حضرت میان محراب و منبر نمازی خواند و گفت: حسن جان و حسین جان! اینجا کنار پدرتان علی بنشینید. امیرالمؤمنین مشغول نماز خواندن بود.

حضرت فاطمه زهرا به خانه آمد و به «اسماء بنت عمیس» گفت: اسماء! من در اتاق را می‌بندم و تو بعد از چند لحظه مرا صدا کن. اگر جواب ندادم به سراغ علی و فرزندانم برو و آنها را به اینجا بیاور.

«اسماء بنت عمیس» می‌گوید: حضرت فاطمه زهرا مشغول نماز بود که یک مرتبه در سجده نماز مشاهده کردم دیگر صدای حضرت فاطمه زهرا نمی‌آید و صدای «سبحان الله» حضرت قطع شد.

من در را باز کردم و عرضه داشتم: یا بنت رسول الله! اما حضرت جواب ندادند. عرضه داشتم: مادر حسین و حسین!، اما حضرت جواب نداد. آمدم حضرت فاطمه زهرا را تکان دادم، اما مشاهده کردم که حضرت در سجده جان به جان آفرین تسلیم کرده است.

من ناله زدم و گفتم: خدایا خبر شهادت حضرت فاطمه زهرا را چطور به حسن و حسین بدهم. در این هنگام حسن و حسین در را باز کردند و صدا زدند: یا اسماء! مادرمان کجاست؟

من جواب ندادم و آنها در را باز کردند. وقتی آمدند مادر را تکان دادند، دیدم حسین به صورت حسن نگاه کرد و فرمود: برادر! تسلیت می گویم، مادرمان از دستمان رفت.

امام حسن و امام حسین به مسجد برگشتند تا امیرالمؤمنین را خبر کنند. وقتی خبر شهادت حضرت فاطمه زهرا را به علی دادند؛

« فغشي عليه حتى رث عليه الماء »

علی بن ابی طالب افتاد و غش کرد.

امیرالمؤمنین طاقت خبر شهادت حضرت فاطمه زهرا را نداشت تا اینکه ابی به صورت او زدند. امیرالمؤمنین به هوش آمد و به منزل آمد و مشاهده کرد حضرت فاطمه زهرا، جان به جان آفرین تسلیم کرده است.

حضرت فاطمه زهرا در کنار سجاده خود نامه ای نوشته بود که در آن نوشته شده بود:

« بسم الله الرحمن الرحيم-هذا ما أوصت به فاطمة بنت محمد، أوصت و هي تشهد أن لا إله إلا الله و أنّ محمدا عبده و رسوله، و أنّ الجنة حق و أنّ النار حق، و أنّ الساعة آتية لا ريب فيها، و أنّ الله يبعث من في القبور، يا علي! أنا فاطمة بنت محمد زوجني الله منك لأكون لك في الدنيا و الآخرة، فأنت أولى بي من غيرك، فحنطني و كفني و غسلني بالليل، و صلّ عليّ و ادفني بالليل و لا تعلم أحدا، و أستودعك الله و اقرأ عليّ و لذي السلام الى يوم القيام »

مرا شبانه غسل بده و شبانه کفن کن و شبانه به خاک بسپار

مقتل الحسين عليه السلام؛ تأليف: اخطب خوارزم، موفق بن احمد - سماوی، محمد؛ الناشر: انوار الهدی،

چاپ دوم، سنة ۱۳۸۱ش - ۱۴۲۳ق؛ ج ۱، ص ۱۳۱

حضرت امیرالمؤمنین در کنار قبر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمود:

«أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ»

حزن من تا قیامت باقی است و پایان ندارد.

«وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسْتَهْدٌ»

دیگر شبها از غصه خواب به چشم علی نخواهد رفت.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۰، خ ۲۰۲ و

مِنْ كَلَامٍ لَهُ عِزٌّ رَوَى عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ عِنْدَ دَفْنِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ فَاطِمَةَ ع كَالْمُنَاجِي بِهِ رَسُولَ اللَّهِ ص عِنْدَ قَبْرِه

«ابن عباس» نقل می‌کند که در جنگ صفین در یکی از شبها برای خودم حنا درست کرده بودم. دقت داشته

باشید که حضرت فاطمه زهرا در سال ۱۱ هجری شهید شد، اما جنگ صفین در سال ۳۸ هجری است. یعنی بیست

و هفت سال از شهادت حضرت زهرا گذشته است.

ایشان حنا را در ظرفی خدمت امیرالمؤمنین می‌آورد و عرضه می‌دارد: یا علی! موی سر و صورتتان سفید شده است.

مقداری از حنا استفاده کنید تا سفیدی‌های مویتان رنگی شود.

امیرالمؤمنین فرمود: ابن عباس! مگر نمی‌دانی که ما هنوز عزادار حضرت فاطمه زهرا هستیم.



الا لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أى منقلب ينقلبون

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته